

لَيْلَةُ الْمَبِيتِ

در شب اول ماه ربیع‌الاول سال سیزدهم بعثت، حادثه‌ای شگفت روی داد که خداوند متعال به خاطر این حادثه به فرشتگان خود مباحثات می‌کند، این شب تاریخی را که حضرت علی علیه‌السلام در جایگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و برای نجات جان او در بسترش خوابید، «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» می‌نامند.

باید گفت که رفتار هر فردی زاییده عقیده او است، لذا جانبازی و فداکاری از نشانه‌های افراد با ایمان است، بدیهی است اگر ایمان انسان به حدی برسد، قطعاً جان و مال خود را در راه آرمان خود فدا می‌کند، قرآن مجید در توصیف این افراد می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»؛ «مؤمنان کسانی هستند که به خدا و پیامبر او ایمان آوردند و در آن هرگز تردید نکردند و با مال و جان خود در راه خدا کوشیدند؛ آنان به راستی در ایمان خود صادقند.»

آری در سال‌های ابتدایی بعثت که مسلمانان سخت‌ترین شکنجه‌ها و زجرها را در راه پیشبرد هدف تحمل می‌کردند فشار قریش بر مسلمانان سبب شد که گروهی از آنان به حبشه و گروه دیگری به یثرب مهاجرت کنند، در همین حین که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سال دهم بعثت، ابوطالب بزرگترین حامی و مدافع خویش و همچنین حضرت خدیجه علیها‌السلام را از دست دادند، با درگذشت این دو حامی بزرگ، میزان خفقان و فشار بر مسلمین در مکه فزونی گرفت، تا آنجا که در سال سیزدهم بعثت، سران قریش در یک شورای عمومی تصمیم گرفتند که ندای توحید را با زندانی کردن پیامبر یا با کشتن و یا تبعید او خاموش سازند.

لذا خداوند متعال تصمیم مشرکین مکه را در آیات قرآن چنین بیان می‌کند: «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»؛ «به یاد آور، هنگامی را که کافران بر ضد تو حيله کردند و بر آن شدند که تو را در زندان نگه دارند یا بکشند و یا تبعید کنند، آنان از در مکر وارد می‌شوند و خداوند مکر آنان را به خودشان باز می‌گرداند و خداوند از همه چاره‌جو تر است.»

به همین جهت سران قریش تصمیم گرفتند که از هر قبیله فردی انتخاب شود و سپس افراد منتخب به هنگام نیمه شب با شبیخون بر خانه نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هجوم برده، او را قطعه قطعه کنند. بدین طریق، هم مشرکان از تبلیغات او آسوده می‌شدند و هم خون او در میان قبایل عرب پخش می‌شد و لذا بنی‌هاشم نمی‌توانست، با تمام قبایلی که در ریختن خون وی شرکت کرده بودند، به خونخواهی و مبارزه

شب مقرر فرا رسید، مردان مسلح قریش هر یک از سویی به جانب خانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روی آوردند، خداوند از طریق فرشته وحی رسولش را از مکر دشمنان آگاه ساخت، لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باید با استفاده از شیوه غافلگیری خانه را ترک و در عین حال وانمود می‌کرد که در خانه

است و در بستر خود خوابیده است، پس شخصی باید در بستر ایشان می خوابید و روانداز سبز نبی را بر روی خود می انداخت تا مشرکین متوجه رفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نشوند، اما کیست که از جان خود بگذرد و در خوابگاه پیامبر بخوابد؟ این فرد فداکار، لابد کسی است که پیش از همه به وی ایمان آورده است و از آغاز بعثت، پروانه وار گرد شمع وجود رسول خدا چرخیده است، آری، این شخص شایسته کسی جز حضرت علی (علیه السلام) نیست و این افتخار باید نصیب وی شود.

امیرالمومنین علیه السلام وقتی از جریان مطلع می شوند، تنها یک سوال می پرسند که آیا در این شرایط به شما آسیبی نمی رسد، بعد که مطمئن می شود، در بستر رسول خدا می خوابد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی که برخی از آیات سوره «یس» را بر زبان جاری می سازند، در برابر چشم مشرکین از خانه خارج می شود، ولی چشمانی که گویی کور شده اند!

در بیرون خانه چهل نفر آدمکش اطراف خانه نبی (صلی الله علیه و آله و سلم) را محاصره کرده بودند و از شکاف در به داخل می نگرستند، وضع خانه را عادی می دیدند و گمان می کردند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بستر خود آرمیده است. همه سراپا مراقب بودند و آن چنان وضع خانه را تحت نظر گرفته بودند که جنبش موری از نظر آنان مخفی نمی ماند!

دشمنان نخست تصمیم گرفته بودند که نیمه شب به خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هجوم آورند، ولی به عللی از این تصمیم منصرف شدند و سرانجام قرار گذاشتند در فروغ صبح وارد خانه شوند و ماموریت خود را انجام دهند، پرده های تیره شب به کنار رفت، ماموران با شمشیرهای برهنه به طور دسته جمعی به خانه رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) هجوم آوردند، اما وقتی وارد خوابگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شدند و حضرت علی (علیه السلام) را به جای پیامبر یافتند.

قرآن مجید این فداکاری و جانبازی حضرت علی علیه السلام می ستاید و او را از کسانی می داند که جان به کف در راه کسب رضای خدا می شتابند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»؛ «برخی از مردم کسانی هستند که جان خود را برای تحصیل رضای خداوند از دست می دهند و خداوند به بندگان خود رؤوف و مهربان است.»

دانشمندان سنی و شیعه نقل کرده اند که خداوند در آن شب به دو فرشته بزرگ خود-جبرئیل و میکائیل- خطاب کرد که «اگر من برای یکی از شما مرگ و برای دیگری حیات مقرر کنم، کدام یک از شما حاضر است، مرگ را بپذیرد و زندگی را به دیگری واگذار کند؟»، در این لحظه هیچ کدام نتوانست مرگ را بپذیرد و در راه دیگری فداکاری کند، سپس خدا به آن دو فرشته خطاب کرد که «به زمین فرود آیید و ببینید که علی چگونه مرگ را خریده، خود را فدای پیامبر کرده است، سپس جان علی را از شر دشمن حفظ کنید.»